

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۴

آیه ۹۶-۱۰۰

آیه و ترجمه

و لو ان اهل القرى ءامنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركت من السماء و الارض و لكن كذبوا فاخذنهم بما كانوا يكسبون ۹۶
افامن اهل القرى ان ياتيهم باسنا بيتا و هم نائمون ۹۷
او امن اهل القرى ان ياتيهم باسنا ضحى و هم يلعبون ۹۸ افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله الا القوم الخسرون ۹۹
او لم يهد للذين يرثون الارض من بعد اهلها ان لو نشاء اصبينهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون ۱۰۰

ترجمه :

۹۶ - و اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشایم ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنها را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.
۹۷ - آیا اهل این آبادیها از این ایمن هستند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟
۹۸ - آیا اهل آبادیها از این ایمنند که عذاب ما، روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟
۹۹ - آیا آنها از مکر الهی غافلند در حالی که از مکر (و مجازات) خدا جز زیانکاران ایمن نخواهند بود.
۱۰۰ - آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان قبلی آن می شوند عبرت نمی گیرند

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۵

که اگر بخواهیم آنها را نیز به گناهانشان هلاک می کنیم و بر دلهایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند.

تفسیر :

عمران و آبادی در سایه ایمان و تقوی

در آیات گذشته سرگذشت اقوامی همچون قوم هود و صالح و شعیب و نوح و لوط بطور اجمال مورد بحث واقع شد، گرچه خود آن آیات به اندازه کافی برای بیان نتایج عبرت‌انگیز این سرگذشتها کافی بود، ولی در آیات مورد بحث به صورت گویاتر، نتیجه‌گیری کرده، می‌گوید: اگر مردمی که در این آبادیها و نقاط دیگر روی زمین زندگی داشته و دارند، به جای طغیان و سرکشی و تکذیب آیات پروردگار و ظلم و فساد، ایمان می‌آوردند، و در پرتو آن تقوا و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، نه تنها مورد خشم پروردگار و مجازات الهی واقع نمی‌شدند، بلکه درهای برکات آسمان و زمین را به روی آنها می‌گشودیم (و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض).

ولی متأسفانه آنها صراط مستقیم که راه سعادت و خوشبختی و رفاه و امنیت بود رها ساختند، و پیامبران خدا را تکذیب کردند، و برنامه‌های اصلاحی آنها را زیر پا گذاشتند، ما هم به جرم اعمالشان، آنها را کیفر دادیم (و لکن کذبوا فاحذناهم بما کانوا یکسبون).

در اینجا به چند موضوع باید توجه کرد:

۱- در اینکه منظور از «برکات» زمین و آسمان، چیست در میان مفسران گفتگو است: بعضی آن را به نزول باران و روئیدن گیاهان تفسیر کرده‌اند، و

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۶

بعضی به اجابت دعا و حل مشکلات زندگی، ولی این احتمال نیز وجود دارد که منظور از برکات آسمانی، برکات معنوی و منظور از برکات زمینی برکات مادی بوده باشد، اما با توجه به آیات گذشته تفسیر اول از همه مناسبتر است، زیرا: در آیات گذشته که مجازاتهای شدید مجرمان و طغیانگران را شرح میداد، گاهی اشاره به فرود آمدن سیلاب از آسمان، و طغیان چشمه‌ها از زمین (همانند طوفان نوح) و گاهی اشاره به صاعقه‌ها و صیحه‌های آسمانی، و گاهی زلزله‌های وحشتناک زمینی شده بود، در آیه مورد بحث این حقیقت مطرح است که این مجازاتها واکنش اعمال خود آنها بود و گر نه اگر انسان پاک و با ایمان باشد به جای اینکه عذاب از آسمان و زمین فرارسد، برکات خدا از آسمان و زمین بر او می‌بارد، این انسان است که برکات را تبدیل به بلاها

می کند.

۲ - «برکات» جمع برکت است و همانطور که سابقا گفتیم ، این کلمه در اصل به معنی «ثبات» و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می گردد ، در برابر موجودات بی برکت که زود فانی و نابود و بی اثر می شوند.

قابل توجه اینکه ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می شود، بلکه باعث می گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود ، فی المثل امروز ملاحظه می کنیم قسمت بسیار مهمی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر مسابقه تسلیحاتی و ساختن سلاحهای نابود کننده صرف می گردد ، اینها موهبتی هستند فاقد هر گونه برکت ، بزودی از میان می روند و نه تنها نتیجه ای نخواهند داشت ، ویرانی هم بسیار می آورند ، ولی اگر جوامع انسانی ایمان و تقوا داشته باشند این موهبت الهی به شکل دیگری در میان آنها در می آید و طبعا آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۷

خواهند بود.

۳ - در آیه فوق کلمه «اخذ» که به معنی گرفتن است در مفهوم مجازات و کیفر دادن به کار رفته ، و این در حقیقت به خاطر آن است که معمولا کسی را که می خواهند مجازات کنند نخست می گیرند و او را با وسائلی می بندند که هیچگونه قدرت فرار نداشته باشد ، سپس او را کیفر می دهند.

۴ - گر چه آیه شریفه مورد بحث ، ناظر به وضع اقوام پیشین است ولی مسلما مفهوم آن یک مفهوم وسیع و عمومی و دائمی است و انحصار به هیچ قوم و ملتی ندارد و این یک سنت الهی است که افراد بی ایمان و آلوده و فاسد گرفتار انواع و اکنشها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد، گاهی بلاهای آسمان و زمین بر سر آنها می بارد، و گاهی آتش جنگهای جهانی یا منطقه ای سرمایه های آنها را در کام خود فرومی گیرد، و گاهی ناامنیهای جسمانی و روانی آنها را تحت فشار قرار می دهد ، و به تعبیر قرآن ، این وابسته به «کسب و اکتساب» و اعمالی است که خود انسان انجام می دهد ، فیض خدا محدود و ممنوع نیست ، همانطور که مجازات او اختصاص به قوم و ملت معینی ندارد!

چرا ملل فاقد ایمان زندگی مرفه دارند؟

از آنچه در بالا گفتیم پاسخ یک سؤال که زیاد در میان جمعی مورد بحث و گفتگو است روشن می‌گردد و آن اینکه اگر ایمان و تقوا، موجب نزول انواع برکات الهی است و نقطه مقابل آن باعث سلب برکات است چرامشاهده می‌کنیم ملتهای

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۶۸

بی‌ایمانی را که غرق ناز و نعمتند، در حالی که جمعی از افراد با ایمان به سختی روزگار می‌گذرانند؟!

پاسخ این سؤال با توجه به دو نکته روشن می‌گردد:

۱ - اینکه تصور می‌شود ملتهای فاقد ایمان و پرهیزگاری غرق در ناز و نعمتند، اشتباه بزرگی است که از اشتباه دیگری یعنی ثروت را دلیل بر خوشبختی گرفتن سرچشمه می‌گیرد.

معمولا مردم این طور فکر می‌کنند که هر ملتی صنایعش پیشرفته‌تر و ثروتش بیشتر باشد خوشبخت‌تر است در حالی که اگر به درون این جوامع نفوذ کنیم و دردهای جانکاهی که روح و جسم آنها را درهم می‌کوبد از نزدیک ببینیم قبول خواهیم کرد که بسیاری از آنها از بیچاره‌ترین مردم روی زمین هستند، بگذریم از اینکه همان پیشرفت نسبی، نتیجه بکار بستن اصولی همانند کوشش و تلاش و نظم و حس مسئولیت است که در متن تعلیمات انبیا قرار دارد. در همین ایام که این قسمت از تفسیر را می‌نویسیم، این خبر در جرائد منتشر شد که در نیویورک یعنی یکی از ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین نقاط دنیای مادی، بر اثر خاموشی ناگهانی برق صحنه عجیبی به وجود آمد، یعنی بسیاری از مردم به مغازه‌ها حمله بردند و هستی آنها را غارت کردند، تا آنجا که سه هزار نفر از غارتگران بوسیله پلیس بازداشت شدند.

مسلمانان تعداد غارتگران واقعی چندین برابر این عدد بوده و تنها این عده بودند که نتوانستند به موقع فرار کنند، و نیز مسلم است که آنها غارتگران حرفه‌ای نبوده‌اند که نفرات خود را برای چنان حمله عمومی از قبل آماده کرده باشند، زیرا حادثه یک حادثه ناگهانی بود.

بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که با یک خاموشی برق، ده‌ها هزار نفر از مردم یک شهر ثروتمند و به اصطلاح پیشرفته تبدیل به غارتگر شدند، این نه

تنها دلیل بر انحطاط اخلاقی یک ملت است بلکه دلیل بر ناامنی شدید اجتماعی نیز می باشد.

خبر دیگری که در جرائد بود این خبر را تکمیل کرد و آن اینکه یکی از شخصیت‌های معروف که در همین ایام در نیویورک در یکی از هتلهای مشهور چندین ده طبقه‌های نیویورک سکونت داشت می گوید: قطع برق، سبب شد که راه رفتن در راهروهای هتل به صورت کار خطرناکی درآید، به طوری که متصدیان هتل اجازه نمی دادند کسی تنها از راهروها بگذرد و به اطاق خود برسد مبادا گرفتار غارتگران گردد، لذا مسافران را در اکیپهای ده نفری یا بیشتر، با مامورین مسلح به اطاقهای خود می فرستادند!، شخص مزبور اضافه می کند که تا گرسنگی شدید به اوفشار نمی آورده جرئت نداشته است از اطاق خویش خارج گردد!

اما همین خاموشی برق در کشورهای عقب مانده شرقی هرگز چنین مشکلاتی را به وجود نمی آورده و این نشان می دهد که آنها در عین ثروت و پیشرفت صنایع کمترین امنیت در محیط خودشان ندارند، از این گذشته ناظران عینی می گویند آدمکشی در آن محیطها همانند نوشیدن یک جرعه آب است، به همین آسانی.

و می دانیم اگر تمام دنیا را به کسی بدهند و در چنین شرائطی زندگی کند، از بیچاره ترین مردم جهان خواهد بود، تازه مشکل امنیت تنها یکی از مشکلات آنها است، نابسامانیهای فراوان اجتماعی دیگری دارند که آنها نیز به نوبه خود بسیار دردناکند، با توجه به این حقایق ثروت را نباید با خوشبختی اشتباه کرد. ۲- اما اینکه گفته می شود چرا جوامعی که دارای ایمان و پرهیزگاری هستند عقب مانده اند اگر منظور از ایمان و پرهیزگاری تنها ادعای اسلام و ادعای پایبند بودن به اصول تعلیمات انبیاء بوده باشد، قبول داریم چنین افرادی عقب مانده اند، ولی می دانیم حقیقت ایمان و پرهیزگاری چیزی جز نفوذ آن در تمام اعمال و همه شئون زندگی نیست، و این امری است که با ادعا تامین نمی گردد.

با نهایت تأسف امروز اصول تعلیمات اسلام و پیامبران خدا در بسیاری از جوامع اسلامی متروک یا نیمه متروک مانده است و چهره این جوامع چهره مسلمانان راستین نیست.

اسلام دعوت به پاکی و درستکاری و امانت و تلاش و کوشش می کند کوآن امانت و تلاش؟ اسلام دعوت به علم و دانش و آگاهی و بیداری می کند کو آن علم و آگاهی سرشار؟ اسلام دعوت به اتحاد و فشرده‌گی صفوف و فداکاری می کند ، آیا براستی این اصل به طور کامل در جوامع اسلامی امروز حکمفرما است و با این حال عقب مانده‌اند؟! بنابراین باید اعتراف کرد اسلام چیزی است و ما مسلمانان چیز دیگر.

در آیات بعد به عنوان تاکید بیشتر روی عمومیت این حکم و اینکه قانون فوق مخصوص اقوام پیشین نبوده بلکه امروز و آینده را نیز در برمی گیرد، می گوید: «ایا مجرمانی که در نقاط مختلف آباد روی زمین زندگی می کنند، خود را از مجازاتهای الهی در امان می دانند که شب هنگام در موقعی که در خواب خوش آرمیده‌اند (به صورت صاعقه‌ها و زلزله‌ها و مانند آن) بر آنها فرو ریزد» (افامن اهل القرى ان یاتیهم باسنا بیاتا و هم نائمون). و یا اینکه به هنگام روز در موقعی که غرق انواع بازیها و سرگرمیها هستند امان آنها را بگیرد (او امن اهل القرى ان یاتیهم باسنا ضحی و هم یلعبون).

یعنی آنها در همه حال در روز و شب ، در خواب و بیداری ، در ساعات خوشی و ناخوشی همه در دست قدرت خدا قرار دارند، و با یک فرمان می تواند همه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۱

زندگانی آنها را درهم بپیچد ، بدون اینکه کمترین نیازی به مقدمه چینی و فراهم ساختن اسباب قبلی و گذشت زمان داشته باشد، آری تنها در یک لحظه و بدون هیچ مقدمه ممکن است انواع بلاها بر سر این انسان بیخبر فرود آید.

عجیب این است با تمام پیشرفتی که بشر امروز در صنایع و تکنولوژی کرده و با وجود اینکه نیروهای مختلف جهان طبیعت را مسخر خویش ساخته ، در برابر این گونه حوادث به همان اندازه ضعیف و ناتوان و بی دفاع است که انسانهای گذشته بودند، یعنی در برابر زلزله‌ها و صاعقه‌ها و مانند آن کمترین تفاوتی در

حال او حتی نسبت به انسانهای پیش از تاریخ پیدا نشده است، و این نشانه نهایت ضعف و ناتوانی انسان در عین قدرتمندی و توانائی او است، این واقعیتی است که باید همیشه مد نظر همه باشد.

در آیه بعد باز به شکل دیگری و به بیان تازه‌ای این حقیقت را تاکید می‌کند و می‌گوید: «آیا این مجرمان از مکر الهی ایمنند؟ در حالی که هیچکس جز زیانکاران خود را از مکر او در امان نمی‌دانند» (افامنوا مکر الله فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون).

همانطور که در ذیل آیه ۵۴ سوره آل عمران گفتیم مکر در لغت عرب با آنچه که در فارسی امروز از آن می‌فهمیم تفاوت بسیار دارد، در فارسی امروز مکر به معنی نقشه‌های شیطانی و زیانبخش به کار می‌رود، در حالی که در ریشه اصلی لغت عرب، مکر به معنی هر نوع چاره‌اندیشی برای بازگرداندن کسی از هدفش می‌باشد، اعم از اینکه به حق باشد یا به باطل، و معمولاً در مفهوم این لغت یکنوع نفوذ تدریجی افتاده است.

بنابراین منظور از مکر الهی آن است که خداوند، مجرمان را با نقشه‌های قاطع و شکستناپذیر بدون اختیار خودشان از زندگانی مرفه و هدفهای خوشگذرانی باز می‌دارد، و این اشاره به همان کیفرها و بلاهای ناگهانی و بیچاره کننده است.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۲

پاسخ به یک سؤال

جمله‌های که در آخر آیه فوق بود، می‌گوید: هیچکس جز زیانکاران خود را از مکر و مجازات الهی در امان نمی‌بیند، اکنون این سؤال پیش می‌آید که آیا این جمله پیامبران و پیشوایان بزرگ و «صالحان» رانیز شامل می‌شود؟ بعضی چنین پنداشته‌اند که آنها از این حکم خارجند و آیه فوق مخصوص به مجرمان است، ولی ظاهر این است که این یک حکم عمومی است و همه را فرا می‌گیرد زیرا حتی پیامبران و امامان نیز همواره مراقب اعمال خویش بوده‌اند مبادا کمترین لغزشی از آنها سربزند، زیرا می‌دانیم مقام معصوم بودن، مفهومش این نیست که انجام کار خلاف برای آنها محال است، بلکه آنها با نیروی اراده و ایمان، و با استفاده از اختیار خود و مددهای الهی، در برابر خطاها و لغزش‌های مصونیت دارند، آنها حتی از ترک اولی می‌ترسیدند، و از

اینکه مسئولیتهای سنگین خود را به انجام نرسانند بیمناک بودند، لذا در سوره انعام آیه ۱۵ درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم قل انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم: «بگو من می ترسم اگر نافرمانی پروردگارم کنم، گرفتار عذاب روز بزرگی شوم».

روایاتی که در تفسیر آیه فوق نقل شده نیز آنچه را گفتیم تایید می کند، صفوان جمال می گوید: پشت سر امام صادق (علیه السلام) نماز می خواندم، دیدم می فرمود اللهم لا تؤمنی مکرک - ثم جهر - فقال فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون «پروردگارا مرا از مکر خود ایمن مساز» سپس آشکارتر این قسمت از آیه را تلاوت فرمود فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون.

در نهج البلاغه نیز می خوانیم لا تأمن علی خیر هذه الامة عذاب الله لقول الله سبحانه فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون : «حتی برنیکان این امت از کیفر الهی ایمن مباش زیرا خداوند می فرماید فلا یأمن مکر الله الا القوم

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۳

الخاسرون».

در حقیقت ایمن نبودن از مکر الهی به معنی ترس از مسئولیتهای و خوف از کوتاهی در انجام وظایف است، که همواره باید این «ترس» با امید به رحمت او به طور مساوی در دلهای افراد با ایمان باشد و موازنه این دو است که سرچشمه هر گونه حرکت و فعالیت مثبت می باشد و همان چیزی است که در تعبیر روایات به عنوان «خوف» و «رجا» از آنها یاد شده است، و تصریح شده که افراد با ایمان همواره در میان این دو قرار دارند، ولی مجرمان زیانکار آنچنان کیفرهای الهی را فراموش کرده اند که خود را در نهایت امنیت می بینند.

در آیه بعد بار دیگر برای بیدار ساختن اندیشه های خفته اقوام موجود و توجه دادن آنان به درسهای عبرتی که در زندگی پیشینیان بوده است می گوید: «آیا کسانی که وارث سرزمین گذشتگان هستند و اقوامی که به جای آنها قرار گرفته اند، از مطالعه حال پیشینیان متنبه نشدند؟ و اگر ما خواهیم می توانیم آنها را نیز به خاطر گناهانشان هلاک کنیم، و به همان سرنوشت مجرمان گذشته گرفتار سازیم (او لم یهد للذین یرثون الارض من بعد اهلها

ان لو نشاء اصبناهم بذنوبهم).
و نیز «می‌توانیم آنها را زنده بگذاریم ، و به خاطر غوطه‌ور شدن در گناه و فساد، درک و شعور و حس تشخیص را از آنها بگیریم، آنچنان که هیچ حقیقتی را نشنوند و هیچ اندرزی را نپذیرند و در زندگی حیران و سرگردان شوند»
(و نطبع علی قلوبهم فهم لا یسمعون)
در اینکه چگونه خداوند حس تشخیص را از این دسته مجرمان می‌گیرد

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۷۴

در جلد اول تفسیر نمونه صفحه ۵۳ ذیل آیه ۷ سوره بقره توضیح بیشتری مطالعه خواهید کرد.